**باسمه تعالی**

**برسی رجم درحد زنا**

پژوهشگر رضا یاسمی فرد

استاد راهنما

حضرت استاد مردانی زید‌ عزه

پایه چهارم

مدرسه علمیه علوی قم

۱۳۹۸-۱۳۹۹

تقدیر از

تقدیم به

چکیده

یکی از مسائلی‌ که‌ بـه‌ عـنوان فـتوای مشهور بین فقهای اسلام رایج است،حدّ رجم می‌باشد، رجم در لغت به‌ معنای کشتن اسـت و اصل آن کشتن بصورت سنگسار است .

حدّ رجم پیشینه ی طولانی داشته و ریشه در ادیان ابراهیمی و تاریخ جوامع بشری دارد به طوری که برخی وجود حکم رجم در اسلام را نشأت گرفته از یهود میدانند .این مجازات اسلامی جدای از جنبه ی تنبیهی خود بیشتر انگیزه ی پیشگیری از گناه و فسق را دارد چرا که این حکم با توجه به شرایط سخت اثباتش به صورت نادر اجرا میگردد .

اثبات هر حکمی در اسلام معلّق بر یکی از چهار منبع قرآن ، سنّت ، اجماع و عقل میباشد که در مورد رجم فقط سنّت به کار می آید چرا که در قرآن صحبتی از رجم نشده و اجماع منقول و مدرکی فاقد اعتبار است و همچنین اثبات رجم در حیطه ی اختیارات عقل نیست پس باید در میان روایات به کاوش بپردازیم و رجم را با شرایط اثبات و اجرایش و همچنین ویژگی مجریانش و دیگر حواشی و مسائلی که در این موضوع وجود دارد بررسی نماییم و تنها به این طریق میتوان به منتقدین سنگسار -که از احکام و مجازات های الهی است- پاسخ داد. بااین وجود تحقّق شرایط اجرای مجازات سنگسار به حدی دقیق، نادر و سخت گیرانه است که عملاً امکان تحقق آن را به حداقل می رساند. قانونگذار درقانون جدید صراحتاً آورده است که حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه، چنانچه حد با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صدضربه شلاق برای هر یک می باشد.

**کلید واژه :**

رجم – زنا – محصن – سنگسار

**فهرست مطالب**

[مقدمه 1](#_Toc36225176)

[فصل اول تعاریف 2](#_Toc36225177)

[گفتار اول تعریف رجم 2](#_Toc36225178)

[فصل دوم تاریخچه سنگسار 2](#_Toc36225179)

[گفتار اول: پیشینه حکم سنگسار 2](#_Toc36225180)

[گفتار دوم: پیشینه سنگسار در جوامع بشری 3](#_Toc36225181)

[گفتار سوم: پیشینه سنگسار در ادیان ابراهیمی 3](#_Toc36225182)

[قسمت اول: حکم سنگسار در یهود 3](#_Toc36225183)

[قسمت دوم: حکم سنگسار در مسیحیت 3](#_Toc36225184)

[فصل سوم 4](#_Toc36225185)

[گفتار اول: فلسفه رجم 4](#_Toc36225186)

[فصل چهارم 4](#_Toc36225187)

[گفتار اول: حد رجم (سنگسار) از نگاه فقهی 4](#_Toc36225188)

[گفتار دوم: حد رجم در قانون مجازات اسلامی سال 1392 11](#_Toc36225189)

[نتیجه 12](#_Toc36225190)

[منابع 13](#_Toc36225191)

# مقدمه

همسری مرد و زن، بنیادیترین واحد جامعه را تشکیل میدهد که با نگاهبانی از آن کیان جامعه انسانی حفظ میگردد همانطور که مرحوم کاشف الغطاء گفته است: مبدأ حیات خانوادگی، همسری مرد و زن است که به وسیله آن خانواده شکل میگیرد و با خانواده‌ها امت و با امت ها کاروان بشری، و برای نظام بخشیدن به همین مناسبات است که شرایع آسمانی حدود و قیودی برای آن قائل شده اند.پس باید جوهر این حقیقت را شناخت.

در اصل دهم قانون اساسی نیز آمده است:

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است ،همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد و با چنین رویکردی به نظام خانواده، عمل پلید زنا چیزی جز تیشه به ریشه‌ی حیات اجتماعی زدن و اساس مدنیت را به خطر انداختن نیست.

رجم مجازات زنای محصنه در فقه اسلامی و حقوق ایران است مجازاتی که از سوی مجامع بین المللی مورد هجمه شدید است و درسال های اخیر از سوی برخی حقوق دانان و فقیهان نیز مورد نقد قرار گرفته است اما آنچه که مسلم است این است که در قرآن به طور صریح به مسئله رجم زناکار اشاره نشده است اما وجود آن با استفاده از روایات وارده از سیره رسول گرامی اسلامصل الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به اثبات رسیده است.

فلذا به دلیل اهمیّت و حساسیّت این بحث در این مقاله نگاهی به برخی از ابعاد حکم رجم می اندازیم و اشکال منتقدین را از دل روایات پاسخ میدهیم.

# فصل اول تعاریف

## گفتار اول تعریف رجم

یکی از مسائلی‌ که‌ بـه‌ عـنوان فـتوای مشهور بین فقهای اسلام رایج است،حدّ رجم می‌باشد.رجم در لغت به‌ معنای کشتن اسـت و اصل آن کشتن بصورت سنگسار است ولی در قرآن کلمه‌ رجم فقط به معنای‌ کشتن‌ آمـده است و معنی شدن رجـم بـه معنای سنگسار در منابعی خارج از آیات قرآن می‌باشد.

اما چرا کشتن)قتل(را رجم نامیده‌اند،چون در گذشته رسم براین بود که هر مردی‌ را که می‌خواستند بکشند او را با سنگ می‌زدند و می‌کشتند و لذا به مرور زمـان به هرگونه قتلی رجم یعنی سنگسار گفته شد.

و در نزد فقها اصطلاحا رجم به آن می‌گویند که‌ اگر‌ مرد و یا زن همسردار (محصن - محصنه) زنا کردند باید آن را بصورت سنگسار نمودن (رجم )بکشند یعنی آن قـدر بـه آنان سنگ بزنند که تا کشته شود و این از اطلاق کلمه‌ رجم استفاده می‌شود.در روایات گفته شده است که پیامبر اسلام که دو نفر یهودی و نیز شخصی به نام ماعز و زنی غـامدیّه از قـبیله بنی‌غامد را سنگسار نمود تا‌ مردند‌.

در این‌که روش رجم‌ یـعنی‌ سـنگسار‌ کردن زناکاران یکی از قواعد‌ اهل‌ کتاب‌ بوده نیز تردیدی نیست هرچند که آنان (حداقل اهل کتاب ساکن در یثرب و عربستان) در مقام عمل بدان عامل نبودند لذا‌ در‌ کتاب قاموس (کتاب مقدس )ذیـل لغـت سـنگسار کردن چنین‌ آمده‌ است:

سـنگسار کـردن مـعروف است به‌طوری‌که در ایام قدیم برای تنبیه مقصرین معمول بود که اگر بالفرض اسم برده‌ نمی‌شد‌ هرکسی‌ می‌دانست که حکم قتل درباره ی فـلانی بـاید سـنگسار کردن باشد.

# فصل دوم تاریخچه سنگسار

## گفتار اول: پیشینه حکم سنگسار

برخى چنین وانمود مى‏کنند که سنگسار یادگار شومى از سنت‏هاى زشتِ به یادگار مانده از قوم یهود و یا تحت تأثیر تعصبات سخت‏گیرانه خلیفه دوم است و ربطى به اسلام ناب محمدى ندارد و برخى نیز الگو قرار دادن شریعت رحمت عیسوى را توصیه مى‏نمایند از اینرو ‏ بررسى پیشینه حکم سنگسار ضرورى به نظر مى‏رسد.

## گفتار دوم: پیشینه سنگسار در جوامع بشری

الواح سومرى قدیمى‏ترین اسنادى است که قوانین بشرى را در خود جاى داده است قدمت این الواح به 2400 سال قبل از میلاد مسیح برمى‏گردد که در بخشى از این اسناد تاریخى آمده است:

کسى را که دزدى کرده و زنى را که با دو مرد زناشویى کرده بایستی سنگسار کرد،زنى را که به مردى چیزى را که نباید مى‏گفته باید دهانش را با آجر پخته کوبید تا دندان‏هایش خرد شوند.

در قوانین حمورابى که مربوط به 2000 سال قبل از میلاد مسیح است درباره مجازات زن زناکار و خیانت‏کار به غرق کردن زن اشاره شده است.

در زمان هخامنشیان در ایران مجازات سنگسار به منزله کیفر خیانت به وطن، هتک ناموس و ایجاد رابطه با کنیزان پادشاه پیش‏بینى شده است در زمان ساسانیان نیز این مجازات وجود داشته است.

## گفتار سوم: پیشینه سنگسار در ادیان ابراهیمی

### قسمت اول: حکم سنگسار در یهود

سنگسار یکى از شیوه‏هاى رایج در زمان شکل‏گیرى کتاب مقدس بوده است ، جرایمى که در عهد قدیم مستوجب اعدام به شیوه سنگسار است عبارت‏اند از:

\_ قربانى فرزند براى بت‏ها: هرکس از فرزندان خود براى بت‏ها قربانى بدهد قوم زمین او را به سنگ، سنگسار کنند.

- جادوگرى : مرد و زنى که صاحب اجنه یا جادوگر باشد، البته کشته شوند ،ایشان را به سنگ سنگسار کنید. خون ایشان بر خود ایشان است.

- کفرگویى: هرکه اسم یهُوَه را کفر گوید، هر آینه کشته شو تمامى جماعت او را البته سنگسار کنند،خواه غریب، خواه متوطن چون‏که اسم را کفر گفته است،بایستی کشته شود.

- حرمت‏شکنى روز سبت (شنبه ): و چون بنى‏اسرائیل در صحرا بودند، کسى را یافتند که در روز سبَت هیزم جمع مى‏کرد کسانى که او را یافتند که هیزم جمع مى‏کرد او را نزد موسى و هارون و تمامى‏جماعت آوردند و او را در حبس نگاه داشتند زیرا که اعلام نشده بود که با وى چه باید کرد، و یهُوَه به موسى گفت: این شخص البته بایستی کشته شود پس تمامى جماعت او را بیرون از لشکرگاه باید با سنگ‏ها سنگسار کنند پس تمامى جماعت او را بیرون از لشکرگاه آورده او را سنگسار کردند و بمرد، چنان‏که یهُوَه به موسى امر کرده بود.

- دعوت کردن به بت‏پرستى: اگر برادرت که پسر مادرت باشد یا پسر یا دختر تو یا زن هم‏آغوش تو یا رفیقت که مثل جان تو باشد تو را در خفا اغوا کند و گوید که برویم و خدایان غیر را که تو و پدران تو نشناختید عبادت نماییم، از خدایان امت‏هایى که به اطراف شما مى‏باشند خواه به تو نزدیک و خواه از تو دور باشند، از اقصاى زمین تا اقصاى دیگر آن، او را قبول مکن و او را گوش مده و چشم تو بر وى رحم نکند و بر او شفقت منما و او را پنهان مکن البته او را به قتل رسان، دست تو اول به قتل او دراز شود و بعد دست تمامى قوم، و او را به سنگ، سنگسار نما تا بمیرد چون که مى‏خواست تو را از یهُوَه خدایت که تو را از زمین مصر از خانه بندگى بیرون آورد منحرف سازد، و جمیع اسرائیلیان چون بشنوند خواهند ترسید و بار دیگر چنین امر زشت را در میان شما مرتکب نخواهند شد ،موارد دیگرى نیز وجود دارد که به جهت اختصار ذکر نمى‏کنیم.

### قسمت دوم: حکم سنگسار در مسیحیت

فریسیان زنى را که در حال زنا گرفته بودند کشان‏کشان به مقابل جمعیت آوردند و به عیسى گفتند: استاد! ما این زن را به هنگام عمل زنا گرفته‏ایم او مطابق قانون موسى باید کشته شود، ولى نظر شما چیست؟ عیسى سر را پایین انداخت و با انگشت بر روى زمین چیزهایى مى‏نوشت سران قوم با اصرار مى‏خواستند که او جواب دهد پس عیسى سر خود را بلند کرد و به ایشان فرمود: بسیار خوب آن‏قدر بر او سنگ بیندازید تا بمیرد ولى سنگ اول را کسى به او بزند که خود تا بحال گناهى نکرده است.

روایتى از امام صادق علیه السلام بر اجراى حکم سنگسار توسط حضرت عیسى علیه السلام بر مرد زناکار خبر مى‏دهد:  
امام صادق علیه السلام فرمود: مردى نزد عیسى بن مریم علیه السلام آمد و به او گفت: یا روح‏الله من زنا کرده‏ام مرا پاک کن عیسى علیه السلام امر کرد: کسى در جایى نماند بلکه همه بیرون آیند براى پاک ساختن فلان کس پس هنگامى که وى با مردم گرد آمدند و مرد براى سنگسار در حفره شد، فریاد زد: مرا حدّ نزند آن‏کس که حدّى به گردن دارد پس همه مردم رفتند جز یحیى و عیسى علیه السلام پس یحیى علیه السلام به وى نزدیک شد و گفت: اى گنهکار! مرا موعظه کن مرد گفت: نفس خود را در کارها رها نکن که آزادانه هرچه هوا کند آن را انجام دهد زیرا این موجب سقوط تو باشد یحیى علیه السلام فرمود: بیشتر برایم بگو مرد گفت : خطاکار را به خطایش ملامت و سرزنش نکن گفت :برایم بیشتر بگو مرد گفت: سعى کن غضب نکنی یحیى علیه السلام گفت: مرا بس است.

# فصل سوم

## گفتار اول: فلسفه رجم

باید توجه داشت که در فهم برخی از مسائل دین اسلام چاره ای جز تصویری جامع از این دین نیست ، مجموعه تعالیم اسلام همچون نقش نمایی است که اجزای آن در کنار هم مفهوم پیدا میکند.اگر تأکید اسلام بر عِرض و ناموس و حفظ عفت عمومی و تأثیر آن بر امنیت روانی خانواده و اجتماع را لحاظ کنیم جایگاه این حکم الهی شناخته میشود.این حکم، زنگ خطری است تا کسی به راحتی به نوامیس تعدی نکند.

برخی از مفسرین درباره توجه دین به جنبه بازدارندگی این حكم و جلوگیری از رواج گناه بزرگ زنا در جامعه بر این باورند که اسلام احتمال یك مجازات فوق العاده شدید را در برابر اینگونه گناه‎كاران قرار داده است که همین احتمال اگرچه ضعیف می باشد ولی مى‏تواند در روحیه غالب افراد اثر بگذارد اما راه اثبات آن را مشكل قرار داده تا عملاً در اینگونه موارد اعمال خشونت بطور وسیع انجام نگیرد ،در حقیقت اسلام خواسته اثر تهدیدى این قانون كیفرى را حفظ كند بدون این كه افراد زیادى مشمول آن شوند،نتیجه این‎كه روش اسلام در تعیین مجازات و راه اثبات جرم روشى است كه حداكثر تأثیر را در نجات جامعه از آلودگى به گناه دارد در حالى كه افراد مشمول این مجازات‏ها عملاً زیاد نیستند .

در واقع نگاه اسلام در احكامی همانند سنگسار پیشگیری از گرفتاری جامعه به عواقب جبران‎ناپذیر رواج این عمل ناپسند است.

# فصل چهارم

## گفتار اول: حد رجم (سنگسار) از نگاه فقهی

هر یک از احکام شرعی برای اثبات باید به یکی از منابع چهارگانه ی عقل ، قرآن ، سنّت و اجماع مستند باشد .

از لحاظ عقلی قبح عمل زنا و مخصوصا زنای منجر به رجم کاملا اثبات شده است ولیکن نمیتوان بوسیله ی عقل مجازات رجم را برای این عمل اثبات کرد چرا که عقل صرفا میتواند حُسن و قُبح اعمال را بسنجد و یقینا نمیتواند نوع مجازات را تعیین کند .

دلیل اجماع نیز از‌ جهاتی مورد نقد و اشکال‌ است‌:

اولا،این اجماع منقول است‌ و چـنین‌ اجـماعی بدون تردید اعتبار ندارد.

ثانیا،این اجماع مـدرکی‌ اسـت‌ و در بحث‌های اصولی ثابت شده‌ است‌ که‌ اجـماع مـدرکی مـعتبرنمی‌باشد‌ زیرا‌ اگر آن مدرک معتبر‌ باشد‌ اعتبار بـه مـدرک است نه به اجماع.

ثالثا،بر فرض که این اجماع مدرکی‌ و منقول‌ نـباشد بـلکه محصل و از راه بررسی‌ آرای‌ فقها در‌ طـول‌ زمـان‌ به دسـت آمـده بـاشد‌ باز آن اجماع فی حد نفسه اعـتبار نـدارد بلکه در صورتی اعتبار دارد که کاشف‌ از‌ سنت رسول خدا و یا اوصیای او‌ باشد‌ و تـحقق‌ چـنین‌ اجماعی‌ بدون طریق خاص‌ که‌ کـاشف از آن باشد،امکان ندارد.

در قـرآن نیز آیه‌ای که بـه صراحت برتشریع رجم دلالت کند وجود ندارد ، اما برخی از‌ مفسران‌ آیه 41 سوره مائده را در ارتـباط‌ بـا رجم‌ دانسته‌اند ‌: یا‌ ایهاالرسول‌ لا یحزنک الذیـن یسارعون‌ فـی‌ الکفر مـن الذین قـالوا امـنا بافواههم...

آیه مطابق نقل مفسران ناظر اسـت بـه زنای زن ومردی یهودی که‌ چون داوری‌ را‌ نزد پیامبر آوردند حکم به سنگسار ایـشان کرد‌.ایـن‌ آیه بحث زیادی دارد اما آنچه که به ایـنجا مـربوط می‌شود آن است که آیه در ایـنجا نـه در صدد اثبات حکم رجم بلکه در پی بیان داوری درست پیامبر‌ است.

نهایت آنکه رجم هـیچ مـستند قرآنی ندارد وهیچ یک از مـفسران نـیز نـخواسته‌اند حکم رجم رااز قـرآن اسـتنتاج کنند.

ولیکن این برداشت از اسلام نادرست است که چون مجازات سنگسار در قرآن وجود ندارد پس نباید در دین اسلام موجود باشد چرا که قرآن تنها منبع استنباط احکام اسلامی نیست و در کنار قرآن منابع دیگری همچون سنت – گفتار و رفتار پیامبر و امامان معصوم – نیز وجود دارد.

درست است که درباره رجم(سنگسار)آیه‏اى در قرآن کریم نیامده است اما نه تنها این حكم بلکه بسیارى از احكام مسلّم شرعى كه حتى از ضروریات دین شمرده می‎شود و در متن قرآن به آن تصریح نشده از سیره پیامبر صلّ الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام استنباط میشود همچون احکام غسل و تعداد ركعات نماز و …. این بدان سبب است که ضرورتى ایجاب نمى‏كند كه تکتك احكام شرعى به صورت مبسوط در قرآن ذكر شود. قرآن كریم در آیات متعددى ما را به سوى پیامبر و اهل‎بیت او رهنمون شده و اطاعت از آنان را بر ما واجب نموده و یا اطاعت از پیامبر را اطاعت از خداوند دانسته است.

قرآن می‎فرماید:

اى كسانى كه ایمان آورده‏اید! اطاعت كنید خدارا!و اطاعت كنید پیامبر خدا و اولو الأمر اوصیاى پیامبررا در نتیجه حكم سیره قطعی معصومین علیهم السلام نه فراتر و نه فروتر از حكم قرآن است و بایستی همانند اوامر قرآنی پیروی شود.

بر اساس آنچه گفته شد لازم است حکم رجم را بر اساس سنّت معصومین علیهم السلام تبیین نمود .

کتُب معتبر حدیثی شیعه در خصوص موضوع رجم در مقام واقع بالغ بر صد روایت از طرق مختلف نقل کرده است که ائمه معصومین علیهم السلام در پاسخ به پرسش اصحاب در اینباره مطرح کرده اند . فراوانی این احادیث جایی برای تشکیک در مشروعیت حکم رجم باقی نمیگذارد . روایات مورد نظر را به لحاظ موضوع مورد بحث، می توان در عناوین ذیل جای داد :

توصیف حکم رجم به عنوان حدّ اکبر الهی .

جمع جلد و رجم به عنوان حدّ زانی محصن و محصنه .

شرایط زنای مستوجب رجم ، مانند : در دسترس بودن همسر ، عدم اکراه ، مدرک و بالغ بودن و ...

اسباب اثبات جرم در مجازات رجم ، مانند : اقرار و شهادت شهود و قبول آن ها .

نحوه ی اجرای حکم رجم و شرایط مجریان حد ، مانند : مستور بودن چهره ی مجریان ، برگردن نداشتن حدّ الهی و...

سیاست های محدود کننده ی اجرای کامل حکم رجم ، مانند : عدم ردّ مرجوم – در صورت اثبات رجم بوسیله ی اقرار – در صورت فرار و اصابت اولین سنگ .

اکثریت قریب به اتفاق این روایات صحیح و مسند هستند و مورد توجه فقهی شیعه مانند صاحب جواهر ، صاحب وسائل الشیعه ، شهید ثانی و ... قرار گرفته است . البته در میان این احادیث ، روایات ضعیف از نظر دلالت یا سند نیز وجود دارد که به اجماع فقها کنار گذاشته شده اند و همچنین تعارض هایی در میان این روایات به چم میخورد که جواب ها و جمع های منطقی دارد .

**دسته ی اول از روایات :**

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيى وَغَيْرُهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ:عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام، قَالَ: «الرَّجْمُ حَدُّ اللّهِ الْأَكْبَرُ، وَالْجَلْدُ حَدُّ اللّهِ الْأَصْغَرُ، فَإِذَا زَنَى الرَّجُلُ الْمُحْصَنُ رُجِمَ وَلَمْ يُجْلَدْ

امام صادق علیه السلام میفرمایند : رجم حد اکبر الهی است و جلد حد اصغر الهی است پس زمانی که مرد محصن زنا کند رجم میشود و جلد نخواهد شد .

این دسته از روایت اشاره به این دارد که رجم مرد محصن زناکار حدّ اکبر الهی است ، پس به طریق اولویت وجود حکم رجم برای زنای محصن ثابت میشود.

**دسته ی دوم از روایات:**

عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع : فِي الْمُحْصَنِ وَ الْمُحْصَنَةِ جَلْدُ مِائَةٍ ثُمَّ الرَّجْمُ.

امام باقر علیه السلام فرمودند : مرد و زن محصن صد ضربه شلاق میخورند و بعد رجم میشوند .

و عن علىّ عليه السلام أنّه قضى في المحصن و المحصنة إذا زنيا بالرّجم على كلّ واحد منهما و قال إذا زنى المحصن و المحصنة جلد كلّ واحد منهما مائة جلدة ثمّ رجم.

نفل شده است که امیرالمومنین علیه السلام در مورد زنای مرد و زن محصنی حکم به رجم فرمودند و بیان کردند که اگر زن یا مرد محصن زنا کند هر کدام از ایشان صد ضربه شلاق میخورد و سپس رجم میگردد .

بنابراین طبق این دو روایت و روایات های با همین مضمون بهتر است برای محصنی که مرتکب زنا شده است حکم به جمع میان جلد و رجم شود .

**دسته ی سوم از روایات:**

عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحُرِّ تَحْتَهُ الْمَمْلُوكَةُ- هَلْ عَلَيْهِ الرَّجْمُ إِذَا زَنَى قَالَ نَعَمْ.

از حضرت موسی بن جعفر علیه اسلام سوال کردند از شخص حرّی که کنیزی دارد و با این حال زنا کرده است آیا حکم رجم بر او ثابت میشود ؟ و حضرت میفرمایند : بله

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ : الْمُغِيبُ وَ الْمُغِيبَةُ لَيْسَ عَلَيْهِمَا رَجْمٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ مَعَ الْمَرْأَةِ وَ الْمَرْأَةُ مَعَ الرَّجُلِ.

اما صادق علیه السلام فرمودند : مردی که زنش غایب است و زنی که مردش غیب است و زنا میکند حکم رجم بر او اثبات نمیشود و زمانی رجم ثابت میشود که مرد با زوجه اش باشد و زن با زوجش .

**به وسیله ی این دو حدیث و احادیث نظیر این حکم رجم فقط برای شخصی ثابت میشود که همسر و یا مملوکش در دسترس باشد .**

جعفر بن محمد علیه السلام قال : إِنْ كَانَ مُحْصَناً رُجِمَ، وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ مُحْصَنٍ جُلِدَ الْحَدَّ، وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ فَلَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهَا ، هِيَ إِنْ كَانَ اسْتَكْرَهَهَا فَلَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهَا .

این روایت و روایات نظیر این ، علم و اختیار را در اثبات حکم رجم شرط می نماید .

روایات دیگری نیز در این بحث وجود دارد که شرایط زنای موجبه ی رجم را بیان می نماید که بعد از بررسی همه ی این روایات به شرایط ذیل میرسیم :

- متأهل و داراى همسر باشد:هرکدام از طرفین زنا که متأهل نباشند حکم سنگسار از او مرتفع و به تناسب، حد شلاق یا تعزیر بر او اجرا مى‏شود.

- همسر دائم داشته باشد:زن یا مردى که در ازدواج موقت هستند و با شخص دیگرى مرتکب زنا شوند، اگرچه اصطلاحاً همسردار مى‏باشند زناى آنها زناى محصنه مستوجب سنگسار نخواهد بود.

- با همسر خود قبل از اینکه مرتکب زنا شود دست‏کم یک‏مرتبه همبستر شده باشد:شخص زناکارى که همسر دائم دارد در صورتى که هنوز با همسر دائم خود همبستر نشده است( مثل کسانى که در دوران عقد هستند و هنوز با همسر خود همبستر نشده‏اند) سنگسار نخواهند شد.

- به همسر خود براى ارتباط جنسى دسترس داشته باشد: هرچه مانع از استفاده مشروع از همسر دائم شود مانع از تحقق زناى محصنه مستوجب سنگسار خواهد بود. در سفر بودن همسر، بیمارى‏مقاربتى، عنن مرد و... ازجمله مواردى است که مانع از تحقق حکم سنگسار براى زناکار مى‏شود.

- آزاد باشند: سنگسار بر زن و مردى که کنیز یا برده باشند مترتب نمى‏شود. مجازات کنیز و برده پنجاه ضربه شلاق است. براساس برخى روایات حتى اگر شخص آزادى با کنیز یا برده‏اى زناى‏محصنه انجام دهد باز هم شخص آزاد سنگسار نمى‏شود بلکه به او صد ضربه شلاق زده مى‏شود.

- مسلمان باشند: بنا بر نظر بسیارى از فقیهان حکم زناى محصنه در مورد مسلمان جارى مى‏شود،مسیحى و یهودى و پیروان دیگر ادیان در صورتى که همه شرایط زناى محصنه را داشته باشند حکم سنگسار در مورد آنها الزامى ندارد و حاکم اسلامى مى‏تواند آنها را به قوم خویش واگذارد.

- همه شرایط عمومى تکلیف را داشته باشد:افزون بر موارد مذکور که در شکل‏گیرى مفهوم زناى‏محصنه نقش اساسى دارند باید شرایط عمومى تکلیف نیز وجود داشته باشد. خلل در هریک از شرایط عمومى تکلیف، باعث سقوط مجازات مى‏شود،برخى از شرایط عمومى تکلیف عبارت‏اند از: بلوغ، عقل، علم به حکم، علم به موضوع، عدم اجبار، عدم اکراه و... .

- افزون بر موارد مزبور، شخص همسردار که همه شرایط احصان را دارد اگر با فرد غیربالغ زنا کند قابل سنگسار نیست مثلاً اگر نعوذبالله زن شوهردارى که همه شرایط مذکور را دارد با پسربچه غیربالغى مرتکب زنا شود مجازات سنگسار از او مرتفع مى‏شود.

وجود همه شرایط هشت‏گانه مزبور، براى ثبوت زناى مستوجب سنگسار ضرورت دارد.

**روایات دسته ی چهارم :**

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا يُرْجَمُ الرَّجُلُ وَ الْمَرْأَةُ حَتَّى يَشْهَدَ عَلَيْهِمَا أَرْبَعَةُ شُهَدَاءَ عَلَى الْجِمَاعِ وَ الْإِيلَاجِ وَ الْإِدْخَالِ كَالْمِيلِ فِي الْمُكْحُلَةِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند : مرد و زنى که داراى همسر هستند و مرتکب زنا شده‏اند سنگسار نمى‏شوند مگر اینکه چهار نفر مرد علاوه بر نزدیکى دخول و خروج را مانند داخل و خارج شدن میله سرمه در سرمه‏دان دیده باشند و شهادت دهند.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا: عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام فِي رَجُلٍ أَقَرَّ عَلى نَفْسِهِ بِالزِّنى أَرْبَعَ مَرَّاتٍ وَ هُوَ مُحْصَنٌ: رُجِمَ إِلى أَنْ يَمُوتَ ، أَوْ يُكَذِّبَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يُرْجَمَ، فَيَقُولَ: لَمْ أَفْعَلْ، فَإِنْ قَالَ ذلِكَ تُرِكَ وَ لَمْ يُرْجَمْ.

حضرت میفرمایند : اگر فرد محصن چهار مرتبه بر زنای خود اقرار کرد رجم میشود تا کشته شود و اگر قبل از رجم اقرار خود را نفی کرد و گفت که زنا نکردم رها میشود و رجم نمیگردد .

بوسیله ی این دو روایت و از این قبیل روایات شرایط اثبات رجم برای محصن بیان میشود که پس از بررسی دقیق روایات شرایط اثبات رجم مطابق مطلب ذیل میباشد :

**اول: گواهى شهود**

گواهى (شهادت دادن)داراى شرایط عمومى زیادى است که بررسى همه آنها بسیار مفصل بوده و در ابواب مستقل روایى با عنوان (باب الشهادات)بررسى مى‏شود اما آنچه به طور خاص به صورت اجمالى در اینجا بدان اشاره مى‏کنیم این است که شهود باید مرد و عادل باشند که ارتباط جنسى‏مذکور را با تمام خصوصیات به چشم خود دیده باشند. که روایت اولی که در این دسته آوردیم کیفیت شهادت را بیان نمود .

نکته دیگر اینکه شهادت باید توسط چهار مرد عادل باشد وجود دست‏کم چهار مرد عادل، ضرورت و موضوعیت دارد ازاین‏رو نمى‏توان ادعا کرد که مثلاً اگر سه نفر مرجع تقلید و انسان متشخص شهادت دادند دیگر نیازى به شهادت نفر چهارم نیست.

آیه چهارم سوره نور در مورد لزوم تعدد شهود شرایط سخت‏گیرانه‏اى را در نظر گرفته است:

وَ الَّذِینَ یرْمُونَ الْمُحْصنَاتِ ثمَّ لَمْ یأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شهَدَأَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِینَ جَلْدَةً وَ لا تَقْبَلُوا لهُمْ شهَادَةً أَبَداً وَ أُولَئک هُمُ الْفَاسِقُونَ .

کسانى که زنان همسردار را متهم مى‏کنند، سپس چهار شاهد (بر اثبات ادعاى‏خود) نمى‏آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آنها فاسق‏اند.

در روایتى از امام صادق(ع)آمده است:

عن جَعْفَرً عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیًّ ع فِى ثَلَاثَةً شَهِدُوا عَلَى رَجُلً بِالزّنَا فَقَالَ عَلِىُّ(ع) أَیْنَ الرَّابِعُ قَالُوا الآْنَ یَجِى‏ءُ فَقَالَ عَلِىُّ حُدّوهُمْ.

امام صادق(ع)مى‏فرماید: سه تن نزد امیرالمؤمنین(ع) شخصى به زنا شهادت دادند حضرت فرمود: چهارمى کجا است؟ گفتند: اکنون مى‏آید حضرت فرمان داد آن سه شاهد را حدّ قذف زدند.

**دوم: اقرار**

روش دوم اثبات زناى محصنه مستوجب سنگسار اقرار است اگر شخص عاقل، بالغ، مختار و قاصدى در چهار مرحله متفاوت نزد حاکم، در فضایى کاملاً آزادانه و نه تحت بازجویى و اعتراف گرفتن به زنا اقرار کند زناى او ثابت مى‏شود.

این حکم بدان معناست که اگر کسى سه مرتبه به زنا اقرار کند زناى او ثابت نمى‏شود یا اگر شخصى‏در مجلسى چهار مرتبه به زنا اقرار کند حد بر او ثابت نمى‏شود حتى اگر چهار مرتبه در چهار جلسه اقرار، ولى بعداً انکار کند زناى مستوجب سنگسار اثبات نمى‏شود.

نکته دیگر اینکه اقرار باید صریح باشد و دلالت بر چیز دیگرى جز زنا نداشته باشد و احتمال عقلایى بر خلاف آن داده نشود.

**روایات دسته ی پنجم :**

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تُدْفَنُ الْمَرْأَةُ إِلَى وَسَطِهَا ثُمَّ يَرْمِي الْإِمَامُ وَ يَرْمِي النَّاسُ بِأَحْجَارٍ صِغَارٍ وَ لَا يُدْفَنُ الرَّجُلُ إِذَا رُجِمَ إِلَّا إِلَى حَقْوَيْهِ.

امام صادق علیه السلام میفرمایند : در اجرای حکم رجم زن را تا سینه در خاک دفن میشود و مرد تا کمر ، سپس امام با سنگ به طرف او میزند و بعد از امام مردم سنگ های کوچک را به سمت او پرتاب میکنند .

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ صَفْوَانَ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَقَرَّ الزَّانِي الْمُحْصَنُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ يَرْجُمُهُ الْإِمَامُ ثُمَّ النَّاسُ فَإِذَا قَامَتْ عَلَيْهِ الْبَيِّنَةُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ يَرْجُمُهُ الْبَيِّنَةُ ثُمَّ الْإِمَامُ ثُمَّ النَّاسُ.

همچنین حضرت در جای دیگر میفرمایند : اگر محصن خودش به زنا اقرار کرد اولین کسی که وی را رجم میکند امام میباشد و سپس مردم ، ولی اگر با بیّنه حکم رجم بر وی ثابت شد اول شاهد ها بر وی سنگ میزنند بعد امام و سپس مردم .

**وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ السِّنْدِيِّ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِ الرَّجْمُ- يُرْجَمُ مِنْ وَرَائِهِ وَ لَا يُرْجَمُ مِنْ وَجْهِهِ- لِأَنَّ الرَّجْمَ وَ الضَّرْبَ لَا يُصِيبَانِ الْوَجْهَ- وَ إِنَّمَا يُضْرَبَانِ عَلَى الْجَسَدِ عَلَى الْأَعْضَاءِ كُلِّهَا.**

**امام باقر علیه السلام فرمودند : کسی که رجم بر او واجب گشته است از پشت رجم میگردد و از صورت رجم نمیشود- چرا که ضرب و رجم نباید به صورت اصابت کند- و غیر از صورت میتواند به همه ی اعضای بدن اصابت کند .**

**وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أُتِيَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِرَجُلٍ قَدْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالْفُجُورِ- فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لِأَصْحَابِهِ- اغْدُوا غَداً عَلَيَّ مُتَلَثِّمِينَ- فَقَالَ لَهُمْ مَنْ فَعَلَ مِثْلَ فِعْلِهِ فَلَا يَرْجُمْهُ وَ لْيَنْصَرِفْ- قَالَ فَانْصَرَفَ بَعْضُهُمْ وَ بَقِيَ بَعْضُهُمْ- فَرَجَمَهُ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ.**

**امام باقر علیه السلام فرمودند که امیرالمومنین بر شخصی که اقرار بر زنای محصن کرده بود وارد شدند و به اصحاب فرمودند که فردا صبح همه با صورت های پوشانده شده حاضر شوید فردای آن روز حضرت به اصحاب خطاب کردند : کسی که مثل فعلی را که او انجام داده انجام داده است رجم نکند و بازگردد پس عده ای بازگشتند و عده ای ماندند و عده ای که ماندند فرد گنهکار را رجم کردند.**

**بنابراین مطابق احادیث بیان شده و باقی احادیث این دسته شرایط اجرای رجم و مجریان رجم مشخص به شرح ذیل میباشد :**

مجریان رجم کسانی باشند که حدی بر آنها مـستقر نـباشد بنابر ایـن کـسی‌ کـه‌ بر او حد ثابت اسـت نمی‌تواند مجری آن شود و در این باره روایاتی‌ از‌ معصومین‌(ع)وجود دارد ولی اگر آن شخص توبه کرد اختلاف وجود دارد:بـعضی از‌ اخـبار‌ گویای آن هستند که توبهء او قبول مـی‌شود و بـدین جـهت حـق الله کـه‌ حد‌ است‌ از او سـاقط مـی‌شود و می‌تواند رجم را تصدی نماید ولی ظاهر بعض دیگر از اخبار‌ جایز‌ نبودن تصدی برای او در این امر است چـه تـوبه کـرده باشد‌ و چه‌ توبه‌ نکرده باشد.

پوشیده بودن چهره ی مجریان حد

استفاده از سنگ های کوچک

شیوه ی دفن زناکار بنابر آنچه بیان شد .

عدم برخورد سنگ به صورت .

- اولویت پرتاب سنگ توسط امام یا شاهدان طبق آنچه بیان گردید .

و....

**روایات دسته ی ششم :**

در صورتى که زناى محصنه با اقرار ثابت شده باشد، وقتى اجراى حکم سنگسار شروع شد و بعد از اصابت اولین سنگ، شخص زناکار از حفره فرار کند اجراى حکم متوقف مى‏شود و مجرم دیگر قابل تعقیب نیست. روایات صحیح در این زمینه متعدد است. به یک نمونه اشاره مى‏شود:

باِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْجُومُ يَفِرُّ مِنَ الْحَفِيرَةِ فَيُطْلَبُ قَالَ لَا- وَ لَا يُعْرَضُ لَهُ إِنْ كَانَ أَصَابَهُ حَجَرٌ وَاحِدٌ لَمْ يُطْلَبْ- فَإِنْ هَرَبَ قَبْلَ أَنْ تُصِيبَهُ الْحِجَارَةُ- رُدَّ حَتَّى يُصِيبَهُ أَلَمُ الْعَذَابِ.

از امام صادق(ع)در مورد کسى که در حال سنگسار از حفره فرار مى‏کند پرسیدم ایشان فرمودند در صورتى که یک سنگ به او اصابت کرده باشد رهایش کنید در غیر این صورت اگر هنوز سنگى با او برخورد نکرده بود او را برگردانید تا مقدارى از عذاب را بچشد.

البته حکم مزبور فقط در صورتى است که زنا با اقرار اثبات شود اما اگر زنا با شهادت اثبات شود حد سنگسار ساقط نمى‏شود لکن اگر زناکار توانست فرار کند به گونه‏اى که دست حاکم به او نرسد براساس ظاهرِ برخى روایات گناهى بر گردن او نیست اگرچه با دستگیرى او حکم اجرا مى‏شود.

و همچنین در مورد زنا، انکار بعد از اقرار موجب سقوط حکم سنگسار مى‏شود. در کتب روایى شیعه روایات متعددى نزدیک به ده روایت در بابى با عنوان بَابُ أَنَّ مَنْ أَقَرَّ بِحَدًّ ثُمَّ أَنْکرَ لَزِمَهُ الْحَدّ إِلاّ أَنْ یَکونَ رَجْماً; کسى که به جرم حدى اقرار کند سپس انکار نماید، مجازات حدى از او ساقط نمى‏شود الا در مورد سنگسار جمع‏آورى شده است. به یک نمونه از این روایات اشاره مى‏کنیم :

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِحَدٍّ أَقَمْتُهُ عَلَيْهِ إِلَّا الرَّجْمَ- فَإِنَّهُ إِذَا أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ ثُمَّ جَحَدَ لَمْ يُرْجَمْ.

امام صادق(ع)فرمودند:

کسى که جرم مستوجب حد او با اقرار ثابت شود و بعد انکار کند بر او حد جارى مى‏کنم الا در مورد سنگسار که با انکار بعد از اقرار او حد سنگسار لغو مى‏شود.

غیر از این موارد موارد دیگری نیز باعث جلوگیری از رجم میشود مانند : قاعده الحدود تدرأ بالشبهات ، اسقاط حد در صورت اثبات توبه قبل از شهادت شهود و...که مجال بررسی این موارد در این مقاله نیست.

در آخر با جزم میتوان گفت که حکم رجم در اسلام وجود دارد و با نگاهی جامع به مسائل رجم کاملا فهمیده میشود که خواست و میل شارع عدم اثبات حکم رجم است چرا که بوسیله ی چهار شاهد و با شرایط بیان شده و شروط شهادت خیلی موارد نادری میتواند اثبات شود و در اقرار نیز در روایات معصومین سعی بر پشیمان کردن اقرار کننده داشتند و وی را به توبه ترقیب می نمودند .

## گفتار دوم: حد رجم در قانون مجازات اسلامی سال 1392

بر خلاف تصور برخی مجازات رجم از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ حذف نشده است. قانونگذار در ماده ۲۲۵ قانون جدید صراحتاً آورده است که : حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است البته در ادامه این ماده تغییرات جدیدی را شاهد هستیم به این صورت که در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد.

بدین ترتیب قانونگذار در قانون جدید اصل را بر اجرای مجازات رجم در مورد زنای محصن و محصنه قرار داده است که قاضی صادرکننده حکم قطعی تحت شرایطی مبهم می تواند با موافقت رئیس قوه قضاییه در شکل این مجازات تغییراتی به شرح موارد فوق ایجاد نماید.

نظر برخی از مراجع معظم تقلید در خصوص این تغییر :

آیت الله العظمی نوری همدانی : در فرض سوال همانطور که قبلاهم جواب داده ایم حکم الهی تغییرپذیر نیست و کیفیت اجرای آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی : ما قبلانیز گفته ایم که در شرایط فعلی می توان جایگزین کرد.»

آیت الله العظمی جعفر سبحانی: اگر حاکم شرع احساس کرد اجرای حکم به این شیوه مشکلاتی دارد می تواند به نحو دیگری اجرای حد کند والله العالم.

آیت الله العظمی موسوی اردبیلی : مجازات رجم قابل تغییر نیست ولی چنانچه اجرای آن برخلاف مصالح اسلام و مسلمین باشد فقیه جامع الشرایط می تواند حکم به عدم اجرای آن بدهد.

آیت الله العظمی علوی گرگانی : در صورتی که حاکم شرع تشخیص دهد که اجرای این حکم موجب وهن اسلام و بی احترامی به آن است و موجب ضرر به اصل دین است می تواند آن را تغییر دهد اما اصل حکم سنگسار در فقه اسلام ثابت است، حتی اگر به طور صریح در قرآن ذکر نشده باشد و اصل این حکم تغییرناپذیر است.

آیت الله العظمی حسینی زنجانی: چنانچه به نظر فقیه جامع الشرایط اجرای حکمی در جامعه به دلیل عدم آمادگی فکری عموم مردم موجب سستی در اعتقاد و اصل اسلام می شود، در این صورت حفظ اسلام اهم است و اجرای حکم باید تا استحکام عقاید مسکوت بماند. مضافا اینکه قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» درباره این مساله جاری است، گرچه فقها مفاد قاعده را در شبهات موضوعیه گفته اند ولی بنا بر تسلم و قبول این قاعده که متخذ از عین روایت است شبهه اطلاق داشته و شامل شبهه حکمیه نیز می شود یعنی اجرای حکم در شرایطی که عدالت اجتماعی به طور کامل اجرا نمی شود محل شبهه است چون اصل حاکم عدل است که ما هنوز با آن فاصله زیادی داریم. والله العالم

# نتیجه

۱- مجازات اصلی و اولیه زنای محصن و محصنه مانند قانون سابق رجم می باشد.

۲ـ ممکن است تحت شرایطی مجازات رجم قابل اجرا نباشد. به نظر می رسد منظور قانونگذار از این عبارت عدم امکان اجرای رجم تلطیف مقررات مربوط به مجازات رجم با توجه به اسناد حقوق بشر و فشارهای بین المللی باشد ضمن اینکه نظر برخی از فقهای معاصر در توصیه به عدم اجرای مجازات رجم در حالتی که موجب وهن اسلام است مد نظر قانونگذار بوده است. در کل عبارت عدم امکان اجرا بسیار مبهم می باشد!

۳ـ ظاهراً تشخیص عدم امکان اجرا ابتدائاً با قاضی صادرکننده حکم قطعی می باشد.

۴ـ درخواست عدم امکان اجرا بعد از تشخیص قاضی صادرکننده حکم قطعی باید به رییس قوه قضاییه ارسال و به موافقت ایشان برسد.

۵ـ پس از تائید عدم امکان اجرا توسط ریاست قوه قضاییه چند حالت قابل بحث است :

الف ـ زنای محصن با اقرار ثابت شده باشد: در این حالت مجازات مرتکب زانی یا زانیه صد ضربه شلاق حدی خواهد بود.

ب ـ زنای محصن با بینه ثابت شده باشد. ظاهراً منظور از بینه مجموع شهادت های لازم برای اثبات جرم زنای محصنه می باشد که طبق ماده ۱۹۹ جدید شهادت ۴ مرد عادل یا شهادت ۳ مرد عادل به علاوه ۲ زن عادله می باشد. در این حالت مجازات زانی یا زانیه اعدام خواهد بود.

ج ـ زنای محصن با علم قاضی ثابت شده باشد : با توجه به منطوق ماده ۲۲۵ در این خصوص نیز باید قائل به عدم اعدام و جاری شدن صد ضربه شلاق بر مرتکب شد.

۶ـ دلیل مجازات اعدام در بحث بینه مبانی فقهی موضوع می باشد که بعد از اثبات زنای محصن با شهادت شهود، امکان انکار یا فرار از گودال که موجب سقوط رجم می شود وجود ندارد و در هر حال باید از مرتکب به طریق رجم سلب حیات شود برای همین قانونگذار نتیجه مجازات رجم در این حالت را که اعدام می باشد به طریق دیگری غیر از رجم تجویز نموده است.

# منابع

1. قرآن
2. كلينى، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافي ط - دار الحديث15 جلد، دار الحديث للطباعة و النشر، قم - ايران، اول، 1429 ه‍ ق .
3. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية المحشّى – كلانتر 10 جلد، كتابفروشى داورى، قم - ايران، اول، 1410 ه‍ ق .
4. عاملى، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، 30 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1409 ه‍ ق .
5. شبهات حول احادیث الرجم و ردّها ، الدکتور سعد المرصفی،چاپ بیروت ، مؤسسه الرّیان 5141 هق .
6. صدیقه وسمقى، آیا سنگسار، سنتى اسلامى است؟ ، چشم‏انداز ایران ; مجتهد شبسترى، سایت جرس89/4/ .
7. علیرضا بهمانى، تاریخچه سنگسار، سایت فرزند کعبه110 .
8. کدخدایی ، محمدرضا ، کاوشی نو در فقه اسلامی ، بهار 1390 ، شماره 67 از 13 تا 64
9. جناتی،محمد ابراهیم، کاوشی نو در فقه اسلامی ، پاییز 1389 ، شماره 65 از صفحه 123 تا 142
10. محقق داماد،سید مصطفی ، قضاوت، مرداد و شهریور 1388 ، شماره 58 از صفحه 19 تا 24
11. طوسى، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذيب الأحكام، 10 جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، چهارم، 1407 ه‍.ق .